

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشر شده در [آنتی وار](#)

نویسنده: تد اسنایدر

برگردان: مجله جنوب جهانی

فرستنده: عثمان حیدری

۲۰ می ۲۰۲۵

تحولات شگفت‌انگیز در مذاکرات هسته‌ای ایران



در روزهای اخیر، تحولات شگفت‌انگیزی در مذاکرات میان واشنگتن و تهران بر سر برنامه هسته‌ای غیرنظامی ایران رخ داده است.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، اغلب، اما نه همیشه، هدف از این مذاکرات را محدود به جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای تعریف کرده است. او اخیراً در ۲۵ می نیز این تعریف را تکرار کرد و گفت که ایران باید «به طور دائمی و قابل راستی‌آزمایی، پیگیری سلاح‌های هسته‌ای را متوقف کند... آن‌ها نمی‌توانند سلاح هسته‌ای داشته باشند.»

با این حال، پیام‌های ارسالی از سوی تیم او متناقض بوده است. مایک والتز، مشاور امنیت ملی وقت، اظهار داشت که ایالات متحده خواستار «برچیدن کامل» است، و استیو ویتکوف، فرستاده ویژه ترامپ، گفت که «توافق ترامپ» به این معناست که «ایران باید برنامه غنی‌سازی و تسلیحات هسته‌ای خود را متوقف و نابود کند.» مارکو روبریو نیز بیان کرد که ایران می‌تواند برنامه هسته‌ای غیرنظامی داشته باشد، اما از طریق واردات اورانیوم غنی‌شده تا سقف ۳.۶۷ درصد، و نه از طریق غنی‌سازی در داخل. در ۹ می، ویتکوف به برایتبارت نیوز گفت: «برنامه غنی‌سازی هرگز نباید دوباره در کشور ایران وجود داشته باشد. این خط قرمز ماست. هیچ غنی‌سازی.»

اما ایران نیز خط قرمز متقابلی ترسیم کرده است. آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر عالی ایران، محدودیت قاطعی تعیین کرده‌اند مبنی بر این که ایران درباره «برچیدن کامل زیرساخت‌های هسته‌ای خود» مذاکره نخواهد کرد. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، پیش از آغاز مذاکرات این خط قرمز را تکرار کرد و تأکید کرد که «ایران هرگز به دنبال سلاح هسته‌ای نبوده، نیست و نخواهد بود» اما «ایران از حقوق هسته‌ای صلح‌آمیز خود دست نخواهد کشید». اصرار ایالات متحده بر پایان دادن به برنامه غنی‌سازی غیرنظامی ایران می‌تواند به سرعت به مذاکرات پایان دهد. گسترش مذاکرات به برنامه راکتی ایران یا روابط ایران با گروه‌های نیابتی منطقه‌ای آن نیز می‌تواند مذاکرات را به خطر بیندازد.

اما ترمپ در ۱۴ می با اشاره به این که قطع روابط با گروه‌های نیابتی در منطقه باید بخشی از هر توافقی باشد، این احتمال را مطرح کرد. او گفت که ایران «باید از حمایت از تروریسم دست بردارد» و «به جنگ‌های نیابتی خونین خود پایان دهد».

تریتا پارسی، معاون اجرائی مؤسسه کوئینسی برای حکمرانی مسئولانه و کارشناس مسائل ایران، به من گفت که به نظر می‌رسد اظهارات متناقض صادر شده از سوی دولت ترمپ «به دلیل عدم تصمیم‌گیری در مورد نکات استراتژیک کلیدی» بوده است. و در واقع، در ۷ می، ترمپ گفت: «ما هنوز در این مورد تصمیم نگرفته‌ایم.» پارسی افزود: «در نتیجه، بحث در مورد این نکات اکنون، به شکلی نه چندان مفید، در ملاً عام در حال انجام است.» این که مذاکرات تا دور چهارم پیش رفته، نشان می‌دهد شاید خطوط قرمز اعلام‌شده ایران در جلسات خصوصی نادیده گرفته شده باشند. وزیر امور خارجه ایران هم با اشاره به «تناقضات داخل و خارج جلسات» به همین موضوع اشاره کرد و گفت که این تناقضات، یکی از موانع اصلی پیشرفت مذاکرات هستند. وقتی ترمپ موضوع حمایت ایران از گروه‌های نیابتی در منطقه را مطرح کرد، عراقی آن را «فریبکارانه» خواند، نه صرفاً غیرسازنده یا بی‌فایده. این واکنش عراقی هم نشان می‌دهد که شاید در جلسات خصوصی، این موضوعات به شکل دیگری مطرح شده‌اند.

و عراقی ممکن است در این مورد آگاه باشد. زیرا باراک راوید از آکسیوس اکنون گزارش داده است که در جریان دور چهارم مذاکرات، ایالات متحده پیشنهاد کتبی به ایران ارائه کرده است. این گزارش می‌گوید که در دور سوم، عراقی سندی حاوی پیشنهادات ایران برای توافق را به استیو ویتکوف، فرستاده ویژه ترمپ، ارائه کرد. ایالات متحده آن را بررسی کرد و با «پرسش‌ها و درخواست‌های شفاف‌سازنده» به ایران بازگرداند. ایران پاسخ داد، ایالات متحده پیشنهاد جدیدی تهیه کرد و سپس آن را به عراقی ارائه کرد که اکنون آن را برای مشورت با آیت‌الله علی خامنه‌ای و رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان به تهران بازگردانده است. (عراقی دریافت چنین پیشنهاداتی را تکذیب کرده است - مترجم)

میزان پیشرفت این پیشنهاد در مسیر دستیابی به توافق مشخص نیست. عراقی گفت که مذاکرات آتی اکنون دشوارتر خواهد شد. اما او گفت که «علی رغم دشواری و صراحت مذاکرات، بحث‌های بسیار مفیدی انجام شد.» سپس گفت: «اکنون می‌توانیم بگوئیم که هر دو طرف درک بهتری از مواضع یک دیگر دارند.»

تحولی بزرگ در راه؟ تغییر لحن ترمپ و پیشنهاد غیرمنتظره ایران در مذاکرات هسته‌ای

این پیشرفت چشمگیر احتمالاً با تحول اخیر دیگری تسهیل شده است: تغییری ظریف در لحن ترمپ. پس از موجی از تهدیدات امریکا، دور چهارم مذاکرات به تعویق افتاد. مقامات ایرانی اعلام کردند که «بسته به رویکرد ایالات متحده، تاریخ دور بعدی مذاکرات اعلام خواهد شد.»

اخيراً، این رویکرد به شکلی نامحسوس تغییر کرده است. پیش از این، ترامپ انتخاب ایران را اینگونه ترسیم کرده بود: «اگر آن‌ها توافق نکنند، بمباران خواهد شد. بمبارانی که هرگز مانند آن را ندیده‌اند.» اما در آخرین اظهارات خود، که تا حد زیادی نادیده گرفته شد، ترامپ پیامدهای عدم توافق را تعدیل کرد و تنها گفت: «اگر رهبری ایران این شاخه زیتون را رد کند... ما چاره‌ای جز اعمال فشار حداکثری سنگین و رساندن صادرات نفت ایران به صفر نخواهیم داشت.» قابل توجه است که بمباران با تحریم جایگزین شده بود.

در ۱۵ می، ترامپ بار دیگر به نظر می‌رسید خطر جنگ را رد می‌کند: «زیرا چنین چیزهایی شروع می‌شوند و از کنترل خارج می‌شوند. من بارها و بارها این را دیده‌ام. آن‌ها وارد جنگ می‌شوند و اوضاع از کنترل خارج می‌شود، و ما اجازه نخواهیم داد چنین اتفاقی بیفتد.»

در تحولی شگفت‌انگیز دیگر، ایران ممکن است با یک پیشنهاد خلاقانه و غیرمنتظره، مذاکرات را تسهیل کرده باشد. اکنون گزارش‌هایی منتشر شده است مبنی بر این که ایران پیشنهادی را برای بررسی ارائه کرده است که بر اساس آن می‌تواند با عربستان سعودی و امارات متحده عربی در یک کنسرسیوم غنی‌سازی هسته‌ای مشارکت کند. ایران به غنی‌سازی اورانیوم ادامه خواهد داد اما سقف ۳.۶۷ درصد غنی‌سازی مورد نیاز برای برنامه انرژی هسته‌ای را خواهد پذیرفت. عربستان سعودی و امارات متحده عربی، که به فناوری هسته‌ای ایران دسترسی پیدا خواهند کرد، سهامدار و تأمین‌کننده مالی خواهند بود.

اگر این خبر صحت داشته باشد، این پیشنهاد بر اساس ایده کنسرسیومی است که برای اولین بار توسط فرانک فون هیپل، فزیکدان دانشگاه پرینستون، و سید حسین موسویان، مذاکره‌کننده سابق هسته‌ای ایران، مطرح شد. فون هیپل به من گفت که این ایده از کنسرسیوم غنی‌سازی اورنکو (URENCO) متشکل از آلمان، هلند و بریتانیا و کنسرسیوم آباآبک (ABAABAC) متشکل از برزیل و آرژانتین الهام گرفته شده است.

او گفت که این کنسرسیوم‌ها به کارشناسان هسته‌ای هر کشور اجازه می‌دهند تا «از تأسیسات یک دیگر بازدید کنند تا اطمینان حاصل کنند که فعالیت‌ها صلح‌آمیز هستند.» او افزود که «تصمیماتی که ممکن است پیامدهای تکثیر سلاح‌های هسته‌ای داشته باشند، توسط دولت‌های [شریک] اتخاذ می‌شوند.» نظارت دقیق عربستان سعودی، امارات و ایران همگی به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی کمک خواهد کرد تا اطمینان حاصل شود که این برنامه صلح‌آمیز است.

صرف نظر از پیامدهای مذاکرات هسته‌ای، این سطح از اعتماد بین ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی تا همین مدت کوتاهی پیش غیرقابل تصور بود و گواهی بر تغییراتی است که در منطقه و در روابط در حال تحول ایران و عربستان سعودی در حال وقوع است. این که ایران به عربستان سعودی اجازه دسترسی به فناوری هسته‌ای خود را می‌دهد، نشان می‌دهد که یک تغییر اساسی در روابط منطقه در حال شکل‌گیری است.

آئل شلاین، پژوهشگر برنامه خاورمیانه در مؤسسه کوئینسی، به من گفت: «تمایل ایرانی‌ها برای پیوستن به کنسرسیومی با عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای توسعه انرژی هسته‌ای غیرنظامی، نشان‌دهنده بهبود چشمگیر روابط بین این کشورها است. این پیام قوی می‌فرستد که تهران و همچنین ریاض و ابوظبی ترجیح می‌دهند همکاری را بر درگیری اولویت دهند.»

او گفت که هر سه کشور انگیزه فزاینده‌ای برای صلح در منطقه دارند. ولیعهد محمد بن سلمان برای تشویق سرمایه‌گذاری خارجی و گردشگری مورد نیاز برای پیشبرد برنامه تنوع اقتصادی خود، نیازمند اجتناب از درگیری خشونت‌آمیز است. محمد بن زاید در مواجهه با رقابت عربستان سعودی برای تبدیل شدن به یک قطب منطقه‌ای، به امنیت اقتصادی نیاز دارد. ایران به دلیل تضعیف اخیر موقعیت استراتژیک خود در منطقه، نیازمند تشویق صلح در

منطقه است. عربستان سعودی و ایران اخیراً هم به صورت دوجانبه و هم از طریق سازمان‌های چندملیتی به سوی تقویت دوستی پیش رفته‌اند.

شالین ابراز امیدواری کرد که «ترمپ باید از این شرایط برای امضای توافق هسته‌ای با ایران استفاده کند و از جنگ غیرضروری اجتناب کند.»

همه این تحولات، از پیام‌رسانی متناقض امریکا، تا وجود پیشنهاد کتبی که تاکنون گزارش نشده بود، تا تغییر ظریف و کم‌توجه در لحن ترمپ و ایده ایران برای کنسرسیوم هسته‌ای با عربستان سعودی و امارات متحده عربی، تکان‌دهنده و نوظهور هستند. آن‌ها ممکن است فرصتی برای بازگشت به توافق هسته‌ای با ایران و نویدبخش امید تازه‌ای برای صلح و روابط دوستانه هم بین ایالات متحده و ایران و هم در منطقه باشند. امیدواریم که هر دو طرف از این فرصت استفاده کنند.

تد اسنایدر ستون‌نویس ثابت مسائل سیاست خارجی و تاریخ ایالات متحده در وبسایت‌های Antiwar.com و The Libertarian Institute است. او همچنین به طور مرتب در Responsible Statecraft و The American Conservative و دیگر رسانه‌ها مطلب می‌نویسد. برای حمایت از کار او یا درخواست‌های رسانه‌ای یا ارائه مجازی، می‌توانید با او در آدرس tedsnider@bell.net تماس بگیرید.